

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از سوال ها این بود که سنجه و معیار حجیت چیست؟ کلمات اصولیین را اگر نگاه کنید می بینید که آنها می گویند ظهور است؛ می پرسیم داور این ظهور کیست؟ میگویند نوع مردم (ظهور نوعی). می پرسیم در چه حالت روانی؟ می گویند ظن؛ و لذا حضرات علما حالت شخصی را اصلاً معتبر نمی دانند (حتی ظن شخصی بر خلاف) و در این مورد به بنای عقلا تمسک می کنند.

نکته: مشهور می گویند همانطور که در کلام عربی باید به عرب اصیل رجوع کنیم در اصول لفظیه و... هم باید به عرف رجوع کنیم. استاد علیدوست: ما نسبت به کلام مشهور مناقشه داشتیم و گفتیم که نه بنای عقلا این است و نه عملاً فقها رویه شان اینگونه است.

نکته: بعضی اوقات که راه یقین و اطمینان و... مسدود می شود فقیه به خیر الطرق الموجود رجوع می کند مثلاً در باب دیات: ما روایت زیاد داریم اما یک روایت طولانی داریم به نام روایت معتبره ظریف که بسیار در این باب مهم است؛ با اینکه به این روایت معتبره و صحیح گفته اند؛ اما سندش خالی از اشکال نیست و لذا شهید ثانی از آن به ضعیفه تعبیر می کند؛ حتی برخی فقراتش با برخی فقرات دیگر سازگاری ندارد؛ برخی فقرات مورد اعراض مشهور است و... طبق قاعده باید این روایت کنار گذاشته شود اما فقهاء به این روایت تمسک می کنند، چرا که بهتر از این سند ما در روایات دیات نداریم؛ در باب دیات ما بیش از 1000 سوال داریم و اگر معتبره ظریف کنار گذاشته شود بسیاری از این سوال ها بی پاسخ می ماند و لذا فقیه به این نتیجه می رسد که خیر الطرق، روایت ظریف است.

بله اگر روایت ظریف با یک روایت قویم معارض شد آن روایت مقدم می شود و معتبره ظریف فقط خیر الطرق الموجود است. نکته: البته برخی وقتی به اطمینان نمی رسند به اصول عملیه رجوع می کنند و سراغ خیر الطرق المیسرة نمی روند که ما این راه را نمی پسندیم.

تذکر: ما با بیان حقوق فرانسه نمی خواهیم اثبات کلی بکنیم ما فقط خواستیم ادعای مرحوم آخوند (بنای عقلا) را کنار بزنیم. شنیده اید آقایان می گویند ضعف سند، به عمل مشهور جبران می شود بلکه بعضی ها بالاتر می گویند ضعف دلالت هم به عمل مشهور جبران می شود. دلیل آقایان: وقتی مشهور عمل کرده اند ما اطمینان پیدا می کنیم که اینها مدرکی داشته اند که به دست ما نرسیده است؛ لذا صاحب جواهر می فرماید: هرچه خبر ضعیف تر باشد و به آن مشهور عمل کنند قوی تر تلقی می شود؛ به خصوص مدرسه آیت الله بروجردی این اندیشه را تقویت می کنند و به اینها موثوق الصدوری گویند؛ البته مسلک اکثر قدماء اینگونه بوده است.

آقای آخوند استدلال کرد که بنای عقلا بر این است که به ظواهر عمل می شود اما در مقابل برخی ادعا دارند که بنا عقلا در صورتی است که برای شخص اطمینان حاصل شود مثلاً اگر کارشناسی بیاید و بر خانه قیمت بگذارد به صرف کارشناس بودن، مشتری و بایع به کلامش متعبد نمی شوند بلکه در صورتی که به اطمینان برسند به حرفش ترتیب اثر می دهند.

استاد علیدوست: ما نظام تقلید را صرف رجوع به متخصص نمی دانیم و ما مولفه های دیگر را هم دخیل می دانیم ما نظام تقلید را یک نظام ولایی می دانیم؛ چون اگر صرف رجوع به متخصص باشد دیگر حافظاً لنفسه، مطیعاً لامر مولا و... معنا ندارد. خلاصه کلام: ما گفته اصولیین را (پذیرش ظهور به صورت گسترده) نه مطابق بناء عقلا می دانیم و نه رویه فقها را اینگونه یافته ایم.

الحمد لله رب العالمين